

بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

روح‌اله شهنازی*

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان

زهرا دهقان شبانی*

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان

صفحات: ۱۶۱-۱۸۵

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۲۰

فضای کسب و کار مجموعه عوامل محیطی و برون‌زای مؤثر بر عملکرد بنگاه است که خارج از توان دخالت مدیران بنگاه است. فضای کسب و کار نامناسب به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. هدف این مقاله بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب می‌باشد. شاخص فضای کسب و کار مورد استفاده در این تحقیق، شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی است که در چارچوب یک مدل رشد درون‌زا تأثیر اجزای این شاخص بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب طی سال‌های (۲۰۰۳-۲۰۰۶) به روش داده‌های تابلویی برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد ضعف در هفت زیربخش تعطیل کردن کسب و کار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای، استخدام و اخراج کارگران و راه‌اندازی کسب و کار جدید اثر منفی و منطبق با تئوری بر رشد اقتصادی در نمونه مورد آزمون دارد. همچنین ضریب سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران در محدوده مکانی و زمانی مورد آزمون برخلاف انتظارات تئوریک است.

طبقه‌بندی JEL: C23, K2, O41, O43

کلید واژه‌ها:

فضای کسب و کار، رشد اقتصادی، رتبه‌بندی داده‌ها، Panel Data

*Email: rshahnazi2004@yahoo.com

**Email: Zahra_dehghan2003@yahoo.com

مقدمه

محیط نهادی که تمام کسب و کارهای اقتصادی در آن شکل می‌گیرند ادامه حیات می‌یابند و یا در آن ورشکست شده و از آن خارج می‌شوند محیط کسب‌وکار فعالیت‌های اقتصادی نامیده می‌شود. این محیط اهمیت حیاتی و تعیین‌کننده‌ای بر ورود، رشد و توسعه و خروج بنگاه‌های اقتصادی دارد. محیط کسب‌وکار در یک تعریف کلی مجموعه عواملی است که بر عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد، اما مدیر نمی‌تواند آن‌ها را به سهولت تغییر دهد. مبدع بحث بهبود محیط کسب و کار هرناندو دسوتو^۱ بوده است.

هدف این مقاله، بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی است. فضای کسب‌وکار نامناسب با افزایش هزینه‌های تولید (هزینه‌ی اعمال شده بر تولید از طرف محیط)، افزایش ریسک راه‌اندازی کسب‌وکار جدید، نامناسب‌کردن اندازه شرکت‌ها، کاهش امکان تعامل بین شرکت‌ها و در نتیجه کاهش خوشه‌بندی و شبکه‌شدن شرکت‌ها، کاهش مشارکت‌های مالی و افزایش اقتصاد غیررسمی بر عملکرد اقتصاد آثار منفی در پی دارد. از سوی دیگر، بهبود فضای کسب و کار با افزایش کارآفرین، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش بخش غیررسمی، کاهش هزینه تولید و قیمت کالای داخلی، تقویت حقوق مالکیت، کاهش فساد مالی و کاهش قاچاق کالا سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود. از این رو، ابتدا مبانی تئوریک و مسیرهای اثرگذاری فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی بررسی می‌شود و در ادامه براساس یک مدل رشد درون‌زا تأثیر فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی در مجموعه کشورهای منتخب بررسی خواهد شد.

1. Hernando de Soto

نتایج کارهای هرناندو دسوتو در کتاب‌های راه دیگر (۱۹۸۹) و راز سرمایه (۲۰۰۰) به معرفی محیط کسب و کار به‌عنوان عامل مهم در تولید منجر شد.

De Soto, Hernando. *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, (1989).

De Soto, Hernando, *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*, (2000).

فضای کسب و کار

محیط نهادی که تمام کسب و کارهای اقتصادی در آن شکل می‌گیرند ادامه حیات می‌یابند و یا در آن ورشکست شده و از آن خارج می‌شوند محیط کسب و کار فعالیت‌های اقتصادی نامیده می‌شود. محیط کسب و کار نامناسب هزینه‌های تولید را از طریق بالا بردن هزینه‌های تحمیل شده بر محیط مانند نوسان‌های قطع برق، میزان رشوه و مشکلات سیستم قضایی افزایش می‌دهد. شرکت‌ها را بیش از اندازه بزرگ و کوچک می‌کند و از این طریق امکان تعامل بین شرکت‌های کوچک و بزرگ از بین می‌رود و بنگاه‌ها قادر به ایجاد شبکه نخواهد بود. فضای کسب و کار نامناسب امکان مشارکت‌های مالی را کاهش می‌دهد و سبب حرکت بنگاه‌ها به سمت اقتصاد غیررسمی می‌شود. یکی از الزامات و پیش‌نیازهای رشد اقتصادی آسان‌سازی فضای کسب و کار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها پر هزینه و دردسرساز باشد بنگاه‌ها به فعالیت در بخش غیررسمی تمایل دارند و از آنجایی که امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت بنگاه‌ها در بخش غیررسمی میسر نیست مقیاس این بنگاه‌ها کوچک می‌ماند و به شرایط صرفه‌های ناشی از مقیاس نمی‌رسد و در نتیجه رشد اقتصادی و اشتغال کمتر می‌شود. اصلاح و بهبود فضای کسب و کار می‌تواند سبب کاهش هزینه و ریسک راه‌اندازی کسب و کار جدید شده و فضا را برای انتقال بنگاه‌ها از بخش غیررسمی به بخش رسمی و رشد و گسترش آنها فراهم می‌کند.

جدول ۱. زیربخش‌های شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی

۱. راه‌اندازی کسب و کار جدید: شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه (درصد از درآمد سرانه) و سرمایه (درصد از درآمد سرانه) مورد نیاز
۲- شرایط و مقررات کسب مجوز: شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه (درصد از درآمد سرانه) کسب مجوز
۳. استخدام و اخراج کارگران: شامل شاخص سختی استخدام (۱-۱۰۰)، عدم انعطاف ساعت کاری (۱-۱۰۰)، شاخص سختی اخراج (۱-۱۰۰)، عدم انعطاف اشتغال (۱-۱۰۰)، هزینه استخدام (درصد از حقوق) و هزینه اخراج (درصد از حقوق)
۴. ثبت اموال: شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه (درصد از درآمد سرانه) ثبت اموال
۵. دریافت اعتبار: شامل شاخص توانمندی قانون (۰-۱۰)، شاخص اطلاعات اعتباری (۰-۶)، پوشش اطلاعات اعتبارسنجی در بخش دولتی (درصد) و پوشش اطلاعات اعتبارسنجی در بخش خصوصی (درصد)
۶. حمایت از سرمایه‌گذاران: شامل سطح افشاگری، اندازه مسئولیت مدیران (۱-۱۰)، پوشش آسان اطلاعات مورد نیاز سهامداران (۱-۱۰) و توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران (۱-۱۰)
۷- پرداخت مالیات: شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، مالیات بر سود (درصد)، مالیات بر حقوق و دستمزد (درصد)، مالیات بر حقوق و دستمزد (درصد) و نرخ کل مالیات (درصد)
۸. تجارت خارجی: شامل تعداد اسناد مورد نیاز برای صادرات، زمان مورد نیاز برای صادرات (روز)، هزینه صادرات (دلار)، تعداد اسناد مورد نیاز برای واردات، زمان مورد نیاز برای واردات (روز) و هزینه واردات (دلار)
۹. اجرای قراردادهای: شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه (درصد از بدهی)
۱۰. تعطیل کردن کسب و کار: شامل زمان (سال)، هزینه (درصد از دارایی) و نرخ وصول (سنت)

منبع: World Bank (2006)

بانک جهانی کشورهای مختلف را براساس سهولت انجام دادن کسب‌وکار دسته‌بندی می‌کند. مبنای کار این گروه بررسی سهولت قانونی در کسب‌وکار است. نحوه محاسبه هر شاخص براساس اطلاعات پرسش‌نامه‌ای است. به‌عنوان مثال، آنها این پرسش را مطرح می‌کنند که طبق قانون برای تأسیس یک شرکت چند مرحله باید سپری شود، هر مرحله چه هزینه‌هایی دارد و طی نمودن تمام این مراحل به چند روز زمان نیاز دارد. هر قدر سرعت انجام دادن یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه‌های آن کمتر باشد محیط کسب‌وکار آن کشور مناسبتر و رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها بهتر است.

در گزارش فضای کسب و کار بانک جهانی شاخص فضای کسب و کار در ۱۰ بخش شامل راه اندازی کسب و کار^۱، شرایط و مقررات کسب مجوز^۲، استخدام و اخراج کارگران^۳، ثبت اموال^۴، دریافت اعتبار^۵، حمایت از سرمایه‌گذاران^۶، پرداخت مالیات^۷، شاخص تجارت خارجی^۸، اجرای قراردادهای^۹ و تعطیل کردن کسب و کار^{۱۰} طبقه‌بندی شده است.^{۱۱} در جدول (۱) زیربخش‌های شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی به‌طور جزئی مشخص شده است.

در جدول (۲) رتبه ایران در مقایسه با چهار کشور همسایه، سه کشور در حال توسعه موفق یا تازه توسعه‌یافته و چهار کشور توسعه یافته مقایسه شده است. طبق این جدول، ایران در شاخص راه‌اندازی کسب و کار نسبت به کشورهای کویت، امارات، چین، کره و مالزی رتبه بهتری دارد. در شاخص‌های شرایط و مقررات کسب مجوز، ثبت اموال کارگران، حمایت از سرمایه‌گذاری، اجرای قراردادهای و تعطیل کردن کسب و کار نسبت به تمام کشورهای نمونه مورد بررسی رتبه پایین‌تری دارد. در شاخص استخدام و اخراج کارگران ایران تنها نسبت به کشور ترکیه دارای وضعیت بهتری می‌باشد. در شاخص دریافت اعتبار وضعیت کشورهای کویت، امارات و چین بدتر از ایران است و پاکستان و ترکیه وضعیتی مشابه ایران دارند. در رتبه شاخص پرداخت مالیات ایران بجز پاکستان و چین از سایر کشورهای مورد بررسی بدتر است. در شاخص تجارت خارجی، ایران تنها نسبت به پاکستان رتبه بهتری کسب کرده است.

1. Starting a Business
2. Dealing with Licenses
3. Employing Workers
4. Registering Property
5. Getting Credit
6. Protecting Investors
7. Paying Taxes
8. Trading a Cross Borders
9. Enforcing Contracts
10. Closing a Business
11. World Bank *Doing Business*, the International Bank for Reconstruction and Development, (2008). www.doingbusiness.org/economyrankings

جدول ۲. رتبه کشورهای منتخب در شاخص‌های فضای کسب و کار سال ۲۰۰۶

ایران	راه‌اندازی و کسب و کار	شرایط و مقررات کسب مجوز	استخدام و اخراج کارگران	ثبت اموال	دریافت اعتبار	حمایت از سرمایه‌گذاری	پرداخت مالیات	شاخص تجارت خارجی	اجرای قراردادهای	تعطیل کردن کسب و کار
۶۴	۱۶۷	۱۴۱	۱۴۳	۶۵	۱۵۶	۹۶	۸۷	۳۳	۱۰۹	
۱۰۴	۱۰۹	۲۰	۶۹	۸۳	۱۹	۴۱	۵۴	۷۹	۶۳	
۵۴	۸۹	۱۲۶	۶۸	۶۵	۱۹	۱۴۰	۹۸	۱۶۳	۴۶	
۱۵۵	۷۹	۵۷	۸	۱۱۷	۱۱۸	۳	۱۰	۱۱۲	۱۳۷	
۵۳	۱۴۸	۱۴۶	۵۴	۶۵	۶۰	۶۵	۷۹	۷۰	۱۳۸	
۱۲۸	۱۵۳	۷۸	۲۱	۱۰۱	۸۳	۱۶۸	۳۸	۶۳	۷۵	
۱۱۶	۲۸	۱۱۰	۶۷	۲۱	۶۰	۴۸	۲۸	۱۷	۱۱	
۷۱	۱۳۷	۳۸	۶۶	۳	۴	۴۹	۴۶	۸۱	۵۱	
۱	۳۲	۱۳	۲۲	۷	۵	۲۲	۸	۱۶	۵	
۲۱	۱۴	۱۰۹	۶	۳۳	۱۵	۱۶	۵	۳	۳	
۹	۴۶	۱۷	۱۹	۱	۹	۱۲	۱۴	۲۲	۱۰	
۳	۲۲	۱	۱۰	۷	۵	۶۲	۱۱	۶	۱۶	

منبع: World Bank (2006)

مبانی تئوریک تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی^۱

محیط کسب‌وکار در یک تعریف کلی مجموعه عواملی است که بر عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد اما مدیر نمی‌تواند آن را به سهولت تغییر دهد. به‌طور مثال، کیفیت برق. هر چه مدیر هزینه کند نمی‌تواند نوسان‌های برق را کاهش دهد و یا با هزینه‌های بسیار بالا امنیت را فراهم کند.

مبدع بحث بهبود محیط کسب‌وکار هرناندو دستو بوده است که ابتدا در کشور پرو تحقیقاتش را شروع کرد. وی به این تحقیق پرداخت که اگر بخش خصوصی بخواهد فعالیت

۱. در نوشتن این قسمت، از گزارش سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار کمک گرفته شده است.

کند با چه مشکلاتی روبروست؟ مراحل اداری، رشوه، زمان زیاد و غیره نکات برجسته و مهمی هستند که پیش از این به آنها چندان توجه نمی‌شد. دسوتو معتقد است، بیشتر دارایی مردم در کشورهای فقیر بانک‌پذیر نیستند یعنی آنها گرچه زمین دارند اما خانه ندارند یا مبتکر هستند اما سازمان ثبت اختراعات از آنها حمایت نمی‌کند. دارایی مادی و معنوی افراد به دلیل وجود ضعف در سیستم‌های پشتیبان به دارایی مولد تبدیل نمی‌شود و به این دلیل که سرمایه‌ای تشکیل نمی‌شود و مشکل را به سیستم اداری نسبت می‌دهند و تلاش می‌کنند بفهمند چگونه می‌توان آن را اصلاح کرد.

محیط کسب‌وکار به این دلایل اهمیت دارد: اولاً محیط کسب‌وکار هزینه‌های تولید را بالا می‌برد، زیرا بنگاه‌ها با دو نوع هزینه روبرو هستند یکی هزینه‌ای که بنگاه پرداخت می‌کند و دیگری هزینه‌ای که محیط تحمیل می‌کند. براساس کاری که بانک جهانی قبلاً انجام داده بود در مقایسه ۵ کشور هزینه‌های محیطی نسبت به ارزش فروش کالا در تانزانیا ۲۷ درصد بود یعنی اگر تولیدکننده کالایی را تولید و ۱۰۰ تومان هزینه پرداخت می‌کند، هزینه‌هایی که محیط تحمیل می‌کند ۲۷ درصد است، اما در لهستان همان هزینه‌های محیطی ۹ درصد است که این هزینه‌ها شامل نوسان‌های قطع برق، میزان رشوه و مشکلات سیستم قضایی بوده است. بنابراین اگر دو تولیدکننده به یک اندازه کارا و خلاق یکی در لهستان و یکی تانزانیا باشند آنکه در تانزانیا است محکوم به شکست است زیرا محیط هزینه‌هایی تحمیل و قدرت رقابت‌پذیری بنگاه با بنگاه لهستانی را کم می‌کند. این کمترین مشکلی است که محیط نامناسب در کسب‌وکار ایجاد می‌کند.

مشکل بعدی این است که محیط کسب‌وکار نامناسب یا شرکت‌ها را بیش از اندازه بزرگ و یا بیش از اندازه کوچک می‌کند و امکان تعامل بین شرکت‌های کوچک و بزرگ را از بین می‌برد، زیرا از یک سو بزرگ‌شدگی نامناسب شرکت‌ها وجود دارد زیرا مسئولین بنگاه حس می‌کنند اگر کار را به دیگری بسپارند مشکلات غیرقابل کنترلی ایجاد می‌شود. بنابراین واحدهایی را ایجاد می‌کنند که در آنها تخصص ندارند و از این رو متحمل هزینه اضافی می‌شوند.

همچنین، فضای کسب‌وکار نامناسب امکان مشارکت‌های مالی را کاهش می‌دهد. وقتی سیستم قضایی نامناسب باشد یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت

مالی در اقتصاد پایین می‌آید. اینکه در کشورهای پیشرفته تفکیک مالکیت از مدیریت صورت گرفته یکی از عواملش این است که سیستم قضایی حامی و پشتیبان این تفکیک است. مشکل دیگر فضای کسب‌وکار نامناسب این است که بنگاه‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک قادر به ایجاد شبکه نیستند. از سویی نیز در کشورهایی که سیستم قضایی و حقوقی یکپارچه و روان دارند، شبکه‌سازی بسیار راحت است. امروزه این شبکه‌ها هستند که با یکدیگر در رقابتند یعنی یک بنگاه منفرد نیست. شعار نوین یا شبکه‌ای تولید کن یا تولید نکن^۱ به دلیل اهمیت تولید شبکه‌ای در ایجاد بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری است.

نتیجه دیگر محیط نامناسب کسب‌وکار حرکت بنگاه‌ها به سمت اقتصاد غیررسمی است. تولیدکننده از پرداخت مالیات فرار می‌کند اما در اثر آن نمی‌تواند وام بگیرد و رشد کند یعنی اقتصاد غیررسمی مؤید کوچک‌ماندن بنگاه‌ها است. بنابراین یکی از الزامات و پیش‌نیازهای رشد اقتصادی، آسان‌سازی فضای کسب‌وکار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها پر هزینه و دردسرساز باشد، بنگاه‌ها به فعالیت در بخش غیررسمی متمایل می‌شوند و از آنجا که امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیررسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها کوچک مانده و به شرایط صرفه‌های ناشی از مقیاس نمی‌رسد و در نتیجه رشد اقتصادی و اشتغال کمتری ایجاد می‌شود. اصلاح و بهبود فضای کسب‌وکار می‌تواند سبب کاهش هزینه و ریسک راه‌اندازی کسب‌وکار جدید شده و فضای انتقال بنگاه‌ها از بخش غیر رسمی به بخش رسمی و رشد و گسترش آنها ایجاد شود.

راه‌اندازی کسب و کار جدید: آسان‌سازی شرایط شروع کسب و کار از جمله اولین مراحل است که جهت بهبود فضای کسب و کار مورد توجه است، زیرا در صورتی که راه‌اندازی کسب و کار آسان باشد بنگاه‌های بیشتری تأسیس می‌شوند. همچنین با ساده‌سازی شروع کسب و کار و انتقال تعداد بیشتری شرکت به سمت اقتصاد رسمی، پایه مالیاتی دولت

1. Net Working or Not Working

گسترش یافته و دولت می‌تواند بار مالیاتی شرکت‌ها را کاهش داده و اتخاذ این سیاست انگیزه بیشتری برای تولید ایجاد می‌کند.

شرایط و مقررات کسب مجوز: توازن میان رعایت ایمنی و سیاست‌های کنترلی اعطاء مجوزهای گوناگون با هزینه‌های حاصل از اخذ مجوزها که گاهی اوقات به غیراقتصادی شدن فعالیت منجر می‌شود از مباحثی است که اختلال در آن همواره یکی از علل انتقال فعالیت‌ها از بخش رسمی اقتصاد به بخش غیررسمی به حساب می‌آید. از این‌رو، توازن و تعادل میان ایمنی ناشی از اعطاء مجوزها با هزینه ناشی از اخذ آن از عوامل پیش‌روی آسان‌سازی فضای کسب و کار است.

استخدام و اخراج نیروی کار: بازار کار انعطاف‌ناپذیر از جمله موانع پیش‌روی فرصت‌های شغلی محسوب و موجب انتقال نیروی کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی اقتصاد می‌شود. مقررات اشتغال انعطاف‌پذیر سبب بهبود بهره‌وری می‌شود، اما مقررات انعطاف‌ناپذیر بنگاه‌ها را به سمت سایر روش‌های حفظ قدرت رقابتی سوق می‌دهد از جمله اینکه آنها به استخدام کارگران غیررسمی روی می‌آورند و پرداخت‌های غیررسمی انجام می‌دهند و از ارائه مزایای اجتماعی کارگران خودداری می‌کنند. مقررات اشتغال انعطاف‌پذیر، مزایای آزادسازی تجاری را نیز افزایش می‌دهد.

ثبت اموال: اصلاحات مراحل ثبت اداری مرحله ابتدایی ورود به اقتصاد رسمی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی است، زیرا کارایی ثبت اموال باعث تقویت حقوق مالکیت شده و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد.

دریافت اعتبار: دسترسی آسان به تسهیلات و اعتبارات بانکی از عواملی است که در توسعه و گسترش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اثر مستقیم دارد. اصلاح نظام بانکی با هدف افزایش سطح وام‌های ارائه شده و کاهش تعداد درخواست‌های بدون پاسخ از سیاست‌هایی است که به توسعه سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در بخش خصوصی منجر می‌شود.

حمایت از سرمایه‌گذاران: حمایت از سهامداران شرکت در مقابل فعالیت‌های شخصی مدیران جهت جلوگیری از سوء استفاده از دارایی‌های شرکت برای انتفاع شخصی از مهم‌ترین سیاست‌های حکمرانی شرکتی است. از آنجایی که سهامداران معمولاً از اطلاعات ریز معاملات

مدیران شرکت آگاهی ندارند و معاملات ممکن است با بنگاه‌هایی انجام شود که مدیران شرکت در سود و زیان آن بنگاه ذینفع هستند. عدم حمایت کافی از سرمایه‌گذاران سبب جلوگیری از سرمایه‌گذاری کمتر در سهام عادی و ارزش ویژه می‌شود.

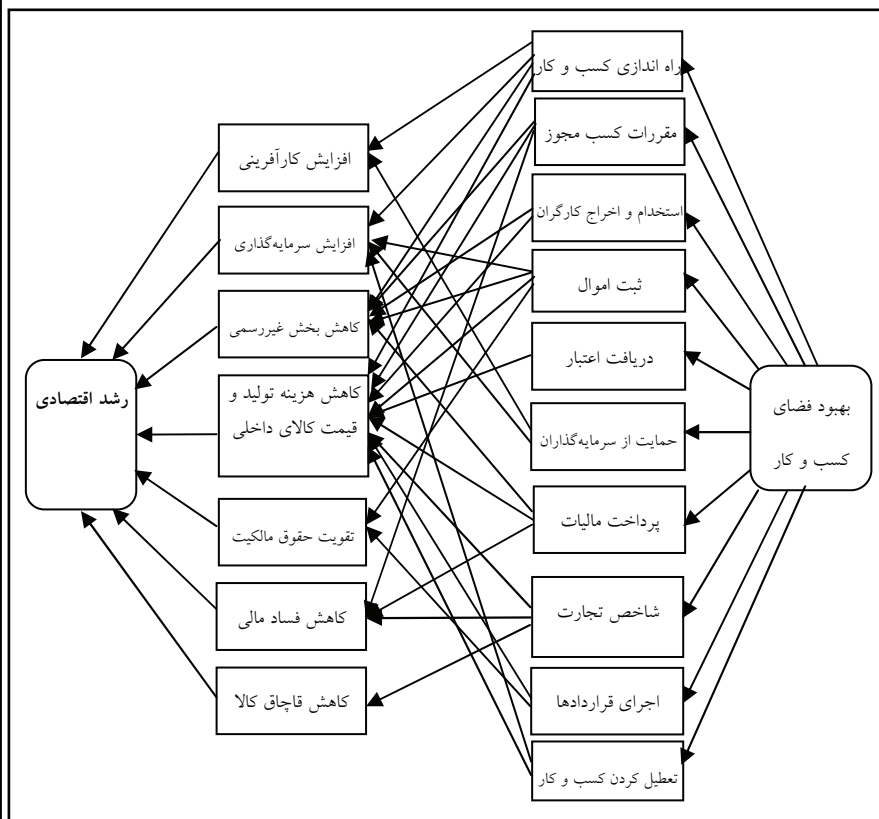
پرداخت مالیات: مدیریت ناکارای مالیاتی از جمله اصلی‌ترین موانع پیش‌روی فضای کسب و کار است، زیرا مالیات‌های گسترده و بالاتر از سود ناخالص بنگاه‌های اقتصادی شرایطی بحرانی در اقتصاد ایجاد می‌کنند و سبب خروج بنگاه‌ها از فعالیت اقتصادی و یا فرار مالیاتی آنها می‌شود.

تجارت خارجی: در کشورهایی که امور گمرکی و حمل‌ونقل تجاری کارا وجود دارد، به اسناد و امضاهای کمتری نیاز است و زمان کمتری برای انجام مراحل اداری و تشریفات گمرکی مربوط به رویه‌های صادرات و واردات اختصاص می‌یابد و در نتیجه فعالیت صادرکنندگان آسان‌تر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر روز تأخیر اضافی در حمل‌ونقل معادل ۰/۵ درصد ارزش کالا برای کالاهای صادر شده با کشتی یا راه‌آهن هزینه دارد.^۱

مواجه شدن بازرگانان با تأخیرهای طولانی در انجام تشریفات گمرکی و تقاضای متعدد رشوه موجب می‌شود که آنان از عبور از مرزهای گمرکی مجاز اجتناب و کالاها را از طریق قاچاق ارائه کنند. ورود کالا از طریق قاچاق موجب می‌شود که نظارتی بر کیفیت کالای وارد شده صورت نپذیرد و درآمدهای پیش‌بینی شده از راه مالیات بر واردات نیز حاصل نشود.

1. World Bank, *Doing Business*, The International Bank for Reconstruction and Development, (2008)

نمودار ۱. مسیرهای اثرگذاری فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی



منبع: دستاورد تحقیق

اجرای قراردادهای: تأخیر در برگزاری دادگاهها، اجرا نکردن حکم پس از اعلام رأی، طولانی بودن مراحل دادرسی و تجدیدنظر و صلاحیت نداشتن مقامات و ضابطان قضایی از جدیترین مواردی است که ضمانت اجرایی قراردادهای را با مشکل روبرو می‌سازد و مشکلی اساسی برای فعالیت کسب و کار بنگاههای اقتصادی به وجود می‌آورد.

تعطیل کردن کسب و کار: قوانین و رویه‌های پیچیده رابطه با ورشکستگی، از موانع عمده فضای کسب و کار است که برخی موارد پرداخت مطالبات مربوطه را تا

سال‌ها به تعویق می‌اندازد. وجود تنگناها در شرایط ورشکستگی درصد مطالبات قابل وصول را کاهش می‌دهد. در کشورهایی که از قوانین پیچیده ورشکستگی استفاده می‌کنند، عامل بازدارنده قوی پیش‌روی سرمایه‌گذاری وجود دارد که دسترسی به اعتبارات را کاهش می‌دهد در نتیجه درصد وام‌های پرداخت‌نشده و ریسک مالی افزایش می‌یابد زیرا اعتباردهندگان قادر به وصول وام‌های منقضی شده نیستند. در نمودار (۱) مسیرهای اثرگذاری فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی به‌طور خلاصه ارائه شده است.

مطالعات انجام شده

یفرمن، کیسونکو و سوملینسکی (۲۰۰۰)^۱ به مطالعه روند سرمایه‌گذاری خصوصی و موانع انجام کسب و کار در کشورهای در حال توسعه پرداختند. در این مقاله ابتدا روند سرمایه‌گذاری ثابت در بخش خصوصی و عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان روند سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی ۴۷ کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند، که نتایج بررسی نشان می‌دهد بطور متوسط سرمایه‌گذاری خصوصی از ۱۱/۲ درصد GDP در سال ۱۹۸۵ به ۱۴/۳ درصد GDP در سال ۱۹۹۷ رسیده و سرمایه‌گذاری دولتی طی این دوره ۷/۲ درصد کاهش یافته است. در ادامه، مقاله به بررسی موانع انجام کسب و کار و ارتباط آنها با سطح سرمایه‌گذاری خصوصی در ۷۴ کشور پرداخته که نتایج نشان می‌دهد، نرخ ارز واقعی، قواعد قانونی، قابلیت پیش‌بینی سیستم‌های قضایی و اعتباراتی که در اختیار کسب و کار قرار می‌گیرد عوامل اثرگذار بر سطح سرمایه‌گذاری خصوصی هستند.

1. Pfeffermann, Guy P., Kisunko, Gregory V., Sumlinski, Mariusz A. *Trends in Private Investment in Developing Countries and Perceived Obstacles to Doing Business*, (2000).

کیسونکو، برونٹی و ودر (۱۹۹۹)^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان موانع نهادی در تعریف داده‌های کسب و کار و متدولوژی گزارش جهانی بخش خصوصی به بررسی مشکلات سرمایه‌گذاران در شرایط عدم اطمینان پرداختند. ایشان برای بررسی این موضوع ۳۶۰۰ پرسشنامه در ۶۹ کشور بین کارآفرینان پخش کردند. در این پرسشنامه‌ها از درک سرمایه‌گذاران در مورد قابلیت پیش‌بینی قوانین و سیاست‌ها، اعتبار سیستم قضایی، فساد در بروکراسی یا امنیت حقوق مالکیت، موانع اصلی کسب و کار و کیفیت خدمات توزیع شده توسط دولت سؤال شده است.

کاسرو و وروداکیس (۲۰۰۴)^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و هزینه کسب و کار در تونس: یک چشم‌انداز تطبیقی" به بررسی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تونس و سایر کشورهای با رشد سریع می‌پردازد. آنها به این نتیجه می‌رسند که رشد تونس بیشتر ناشی از سرمایه‌گذاری دولتی بوده تا خصوصی و با وجود انگیزه‌های فراوان برای سرمایه‌گذاری هنوز سهم بخش خصوصی کم است. ایشان شواهد تجربی در مورد زیان شتاب سرمایه‌گذاری خصوصی در اواسط (۱۹۹۰) را مطرح می‌کنند و به بررسی دلایل این موضوع در چارچوب محدودیت باز بودن تجاری و در نتیجه کاهش رقابت در خدمات کلیدی، افزایش عدم اطمینان کسب و کار در نتیجه ریسک‌های تجاری، ضعف حکمرانان اقتصادی و چارچوب قانونی غیرشفاف و غیرقابل پیش‌بینی می‌پردازند. تحلیل‌های این نویسندگان نشان می‌دهد که کیفیت چارچوب مقررات برای انجام کسب و کار بر شرایط سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار اثرگذار بوده است.

1. Kisunko, Gregory; Brunetti, Aymo; Weder, Beatrice, *Institution al Obstacles to Doing Business: Region-by-Region Results from a Worldwide Survey of the Private Sector*, (1999).

2. Casero, Paloma Anos, Varoudakis, Aristomene, *Growth, Private Investment, and the Cost of Doing Business in Tunisia: A Comparative Perspective*, (January 2004).

اروندا^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به بررسی این موضوع پرداخت که مؤسسات و دولت‌ها اختصاص زیادی بودجه به آسان‌کردن شروع کسب و کار و شکل‌گیری بنگاه‌ها کرده‌اند. بسیاری از هزینه‌های شروع کسب و کار جدید را کاهش داده‌اند اما آنچه باید مورد اهمیت قرار گیرد نقش مهم ثبت کسب و کار به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی معتبر برای دادرسی وزارتخانه دولتی و سایر بنگاه‌ها است. این اطلاعات معتبر برای کاهش هزینه مبادلات هم برای کارگران خصوصی و هم بخش دولتی مهم است. بنابراین اولویت در اصلاح سیاست‌ها باید تأکید بر ارزش دادن نهادهای قانونی باشد.

تصریح مدل

مدل مورد استفاده در اینجا به‌صورت رشد درون‌زا بر اساس مدل سرمایه انسانی لوکاس می‌باشد. در مدل لوکاس تولید متأثر از ذخیره سرمایه فیزیکی و انسانی و مدل به فرم کاب داگلاس است.

$$Y = f(K, H) = AK^\alpha H^{1-\alpha} \quad (1)$$

بدلیل فقدان اطلاعات دقیق در مورد سرمایه انسانی در این تحقیق سرمایه انسانی به دو بخش نیروی کار و هزینه‌های انجام شده روی آموزش تفکیک شده است.

$$Y = f(K, L, EDU) = AK^\alpha L^\beta EDU^\delta \quad (2)$$

حال اگر از طرفین رابطه فوق لگاریتم طبیعی بگیریم، خواهیم داشت:

$$\ln(Y) = \ln(A) + \alpha \ln(K) + \beta \ln(L) + \delta \ln(EDU) \quad (3)$$

1. Arruñada, Benito, *Pitfalls to Avoid When Measuring Institutions: Is Doing Business Damaging Business?*, (August 24, 2007).

در این معادله، A نماد فناوری و عوامل مؤثر بر آن است. در اواخر دهه ۵۰ با مطرح شدن مقوله حسابداری رشد و با توجه به واقعیات آماری آشکار شده در مورد رشد موجودی سرمایه، رشد نیروی کار و رشد محصول، مشخص شد که نرخ رشد محصول فراتر از حاصل جمع وزنی رشد نیروی کار و رشد موجودی سرمایه است. در توجیه این اختلاف که به عامل پسماند شهرت یافت، گرلیچس^۱ آن را نشأت گرفته از رویداد پیشرفت‌های فنی دانست و در این خصوص به سه عامل اشاره کرد. پیشرفت سازماندهی و تشکیلات، پیشرفت فنی حاصله در نیروی کار و پیشرفت فنی در تولید کالاهای سرمایه‌ای.^۲

منظور از عامل اول اصلاحات و بهبود سازمانی و تشکیلاتی است که تابع تولید را در طول زمان به سمت بالا منتقل می‌کند. با لگاریتم و سپس مشتق‌گیری از تابع تولید بیان شده، نتیجه می‌شود:

$$Y = A + \alpha K + \beta L + \delta EDU \quad (4)$$

اصلاحات و بهبود سازمانی و تشکیلاتی در رابطه فوق خود را در عامل A آشکار ساخته و قادر است بخشی از تغییرات تولید را توضیح دهد.^۳ حال آنکه اقتصاددانان به‌طور سنتی تغییرات در پارامتر A را به تغییرات تکنولوژیکی نسبت می‌دهند. به‌عنوان مثال، در الگوی رشد نئوکلاسیک که بر تابع تولید رابطه (۲) استوار است پارامتر A صرفاً بیانگر تغییرات تکنولوژی تولید است. این طرز تلقی نسبت به پارامتر فوق یکی از ادعاهای اصلی پیروان مکتب دوره‌های تجاری حقیقی^۴ نیز می‌باشد که مورد انتقاد برخی از اقتصاددانان مانند منکیو^۵ قرار گرفته است. پیروان مکتب دوره‌های

1. Griliches

۲. سعید ملک الساداتی، "تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۸۶).

۳. ویلیام اچ برانسون، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه: عباس شاکری، تهران: نشرنی، ص ۷۸۲، (۱۳۸۲).

4. Real Business Cycle

5. Mankiw

تجاری حقیقی در توجیه پسماندهای برآوردی سولو به شوک‌های تکنولوژیکی غیرقابل مشاهده بیش از حد اتکاء دارند. منکیو در این خصوص به اهمیت دوره‌های رکود در اقتصاد اشاره دارد و معتقد است که مطابق ادعای پیروان مکتب دوره‌های تجاری حقیقی شوک‌های تکنولوژیکی غیرقابل مشاهده باید قادر به توضیح پدیده رکود نیز باشند، حال آنکه هیچگاه بحثی راجع به کاهش تکنولوژی موجود نمی‌شنویم.

هانسن^۱ و پرسکات^۲ (۱۹۹۲) با بسط و گسترش تفسیر شوک‌های تکنولوژیکی تلاش کردند به این انتقاد پاسخ دهند. درتحلیلی که آنها پیرامون رکود (۱۹۹۱-۱۹۹۰) ایالات متحده دارند معتقدند که تغییرات در چارچوب نهادی و قانونی می‌تواند انگیزه‌های پذیرش تکنولوژی‌های معین را تغییر دهد. برای نمونه، وجود پاره‌ای مقررات دولتی دست و پاگیر می‌تواند به عنوان یک شوک تکنولوژی منفی عمل نماید.^۳

بنابراین، دامنه وسیعی از متغیرهای تأثیرگذار بر ابداع و نوآوری از جمله متغیرهای نهادی و سیاست‌های دولت در پارامتر A، قرار می‌گیرند. درحقیقت، هر عاملی مانند جنگ، نزاع‌های قومی و قبیله‌ای، بی‌ثباتی سیاسی، ناکارآمدی دیوانسالاری، قوانین و مقررات دولتی دست و پاگیر، فراوانی منابع طبیعی و... می‌تواند با تأثیر گذاشتن بر بهره‌وری عوامل تولید سطح تولید را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

با تکیه بر استدلال‌های فوق مبنی بر اینکه نحوه عملکرد نهادها و زیرساخت‌های کسب و کار کشور به‌عنوان فضای کسب و کار بر بهره‌وری نهاده‌های تولیدی و از این طریق بر تولید تأثیر می‌گذارد، شاخص‌های فضای کسب و کار را می‌توان در پارامتر A لحاظ کرد و پارامتر مزبور را تابعی از این شاخص‌ها در نظر گرفت. بنابراین مدل مورد استفاده در این تحقیق عبارتست از:

1. Hansen
2. Prescott

۳. ملک الساداتی، سعید (۱۳۸۶). تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

$$Y = AK^\alpha L^\beta EDU^\delta \quad (5)$$

$$A = e^{c_0 + c_1 Db1 + c_2 Db2 + c_3 Db3 + c_4 Db4 + c_5 Db5 + c_6 Db6 + c_7 Db7 + c_8 Db8 + c_9 Db9 + c_{10} Db10}$$

که متغیرها عبارتند از:

K : ذخیره سرمایه

L : نیروی کار

EDU : مخارج عمومی بر آموزش

$Db1$: راه‌اندازی کسب و کار جدید

$Db2$: شرایط و مقررات کسب مجوز

$Db3$: استخدام و اخراج کارگران

$Db4$: ثبت اموال

$Db5$: دریافت اعتبار

$Db6$: حمایت از سرمایه‌گذاران

$Db7$: پرداخت مالیات

$Db8$: شاخص تجارت خارجی

$Db9$: اجرای قراردادها

$Db10$: تعطیل کردن کسب و کار

بنابراین با لگاریتم گرفتن از معادله (5) رابطه (6) به دست می‌آید.

$$\ln(Y) = \ln(A) + \alpha \ln(K) + \beta \ln(L) + \delta \ln(EDU) \quad (6)$$

$$\ln Y = c_0 + \alpha \ln K + \beta \ln L + \delta \ln EDU + c_1 Db1 + c_2 Db2 + c_3 Db3$$

$$+ c_4 Db4 + c_5 Db5 + c_6 Db6 + c_7 Db7 + c_8 Db8 + c_9 Db9 + c_{10} Db10$$

داده‌ها

برای انتخاب، کشورهایی که تمامی اطلاعات و آمار مورد نیاز برای آزمون را داشتند، انتخاب شدند که نام آنها در جدول (۴) ارائه شده است. در مقاله داده‌های مربوط به تولید (که به جای آن از GDP استفاده شده)، نیروی کار (L) و هزینه‌های آموزشی (EDU) از آمار و اطلاعات بانک جهانی^۱ استخراج شده است. مقدار ذخیره سرمایه (K) با توج به اطلاعات تشکیل سرمایه و نرخ استهلاک محاسبه شده است. نرخ استهلاک یکی از پارامترهای اصلی در محاسبه ذخیره سرمایه است. اگرچه بخش‌های مختلف اقتصاد در کشورهای مختلف دارای نرخ استهلاک متفاوت هستند، اما محاسبه و لحاظ کردن نرخ استهلاک‌های مختلف برای محاسبه (K) در ۶۸ کشور نیازمند مطالعه‌ای بسیار گسترده و عمیق است که خارج از کار این مقاله می‌باشد. بنابراین با فرض اینکه نرخ استهلاک ۵ درصد است کل سرمایه‌گذاری‌هایی که قبل از ۲۰ سال گذشته صورت گرفته است در سال جاری مستهلک شده‌اند و تمام ذخایر سرمایه موجود در اقتصاد حاصل سرمایه‌گذاری‌های ۲۰ سال اخیر است. از این رو، اگر سال پایه ۲۰ سال قبل انتخاب شود ذخیره سرمایه در حال حاضر به صورت $K_t = I_t + (1-\delta)I_{t-1} + (1-\delta)^2 I_{t-2} + \dots + (1-\delta)^{20} I_{t-20}$ است که در آن K_t ذخیره سرمایه سال t ، I_t تشکیل سرمایه سال t و δ نرخ استهلاک است. داده‌های شاخص‌های فضای کسب و کار از اطلاعات منتشر شده توسط مطالعات فضای کسب و کار^۲ بانک جهانی گرفته شده است. داده‌های اخذ شده از این مطالعات در این تحقیق به صورت داده‌های رتبه‌بندی شده درآمده است. روش رتبه‌بندی داده‌ها به صورت زیر می‌باشد. شاخص‌هایی که مقدار بزرگ‌تر در آنها از لحاظ وضعیت کسب و کار بیانگر وضعیت نامناسب‌تری است؛ مانند سادگی راه‌اندازی کسب و کار (شامل مراحل اداری، زمان و هزینه مورد نیاز)، شرایط و مقررات کسب مجوز جهت ساخت و ساز فضای مورد نیاز بنگاه (مراحل اداری، زمان و هزینه مورد نیاز) و ... به صورت زیر رتبه‌بندی شده‌اند:

1. CD WDI (2008)

۲. اطلاعات خام مربوط به این شاخص در سایت اینترنتی www.doingbusiness.org موجود است.

$$Db_i = \frac{D_i - D_{\min}}{D_{\max} - D_{\min}} \quad (7)$$

Db_i : مقدار شاخص i پس از رتبه‌بندی شدن

D_i : مقدار شاخص i

D_{\min} : مقدار حداقل شاخص i در بین کشورهای مورد بررسی

D_{\max} : مقدار حداکثر شاخص i در بین کشورهای مورد بررسی

همچنین شاخص‌هایی که مقدار کوچک‌تر در آنها از لحاظ وضعیت کسب و کار بیانگر وضعیت نامناسب‌تری است مانند شاخص‌های حمایت از سرمایه‌گذاری به صورت زیر رتبه‌بندی شده‌اند:

$$Db_i = \frac{D_{\max} - D_i}{D_{\max} - D_{\min}} \quad (8)$$

در نتیجه هر دو روش رتبه‌بندی تمامی داده‌ها بین صفر تا یک رتبه‌بندی می‌شوند. که عدد نزدیک‌تر به صفر بیانگر وضعیت مناسب‌تر فضای کسب و کار است. مدل‌ها با استفاده از نرم‌افزار Eviews6 برآورد گردیده‌اند.

برآورد مدل

مدل ابتدا به سه روش Pooling، اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد شده و سپس از تست لیمر و تست هاسمن برای انتخاب مدل بهینه استفاده شده است. مقدار تست F لیمر برابر با ۲۵۸ با Prob=0 بوده که به معنای انتخاب روش‌های Panel (اثرات ثابت و تصادفی) در مقابل روش Pooling است. مقدار برآوردی تست هاسمن نیز ۴۲ با Prob=0 بوده که به معنی انتخاب روش اثرات ثابت (از بین روش اثرات ثابت و تصادفی) به عنوان بهترین روش است. نتایج مربوط به مدل اثرات ثابت که در جدول (۳) ارائه شده نشان

می‌دهد متغیرهای نیروی کار، ذخیره سرمایه و مخارج عمومی بر آموزش اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند که این نتایج کاملاً منطبق بر مبانی تئوریک است. در مورد اثر زیر بخش‌های شاخص فضای کسب و کار نیز شش زیربخش تعطیل کردن کسب و کار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای و استخدام و اخراج کارگران اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته‌اند و با توجه به اینکه در این متغیرها بیشتر شدن مقدار بیانگر نامناسب شدن فضای کسب و کار است، بنابراین ضریب منفی به این معنا است که با نامناسب تر شدن فضای کسب و کار رشد اقتصادی کم می‌شود.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل به روش اثرات ثابت

اثرات ثابت		
آماره‌ی t	ضریب	
۶/۵۶۴۸۷۸ (۰/۰۰۰۰)	۸/۶۱۸۲۷۴	عرض از مبدأ
۳/۰۱۹۳۸۳ (۰/۰۰۳۳)	-۰/۲۸۸۵۸۸	نیروی کار
۱۰/۵۳۹۲۸ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۴۱۷۳۶۵	ذخیره سرمایه
۴/۴۶۹۹۱۳ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۴۷۷۷۵	مخارج عمومی بر آموزش
-۱/۵۵۵۹۷۶ (۰/۱۲۳۳)	-۰/۰۴۱۹۰۲	راه اندازی کسب و کار جدید
۳/۹۶۰۱۰۷ (۰/۰۰۰۲)	-۰/۱۸۹۵۹۱	شرایط و مقررات کسب مجوز
-۲/۷۳۹۵۸۹ (۰/۰۰۷۴)	-۰/۰۵۸۳۵۸	استخدام و اخراج کارگران
-۲/۳۳۶۱۶۵ (۰/۰۲۱۷)	-۰/۱۲۹۶۵۴	ثبت اموال
۵/۷۶۵۲۵۲ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۰۵۲۶۳۹	دریافت اعتبار
۵/۱۹۷۷۱۵ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۲۱۸۸۷۳	حمایت از سرمایه‌گذاران
-۳/۶۲۴۹۳۴ (۰/۰۰۰۵)	-۰/۰۸۹۱۲۲	پرداخت مالیات
-۲/۱۱۵۹۱۱ (۰/۰۳۷۱)	-۰/۱۶۷۸۳۷	شاخص تجارت خارجی
-۳/۳۰۲۸۴۲ (۰/۰۰۱۴)	-۰/۸۲۵۵۲۲	اجرای قرار دادها
-۱/۶۹۲۶۲۹ (۰/۰۹۴۰)	-۰/۱۵۴۲۵۴	تعطیل کردن کسب و کار
۰/۹۷		R^2
۰/۹۶		\overline{R}^2
۲/۳۵E+۰۸(۰/۰۰)		F
۲۵۸/۴۱۱۷(۲/۰۲E-۱۲۱)		F لیمر
۴۱/۶۶۱۹۴(۱/۰۹E-۱۰)		تست هاسمن

منبع: محاسبات تحقیق

ضریب متغیر راه‌اندازی کسب و کار جدید نیز منفی است ولی در سطح ۹۰ درصد معنادار نمی‌باشد (سطح معناداری آن ۸۸ درصد است). بنابراین، ۷ متغیر از ۱۰ متغیر فضای کسب‌وکار تأثیر منطبق با تئوری بر رشد اقتصادی در نمونه مورد بررسی طی دوره آزمون دارند و ضریب سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از

سرمایه‌گذاران مثبت است که نشان می‌دهد ضریب آنها در محدوده مکانی و زمانی مورد آزمون برخلاف انتظارات تئوریک است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مقاله با هدف بررسی تأثیر فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب طی سال‌های (۲۰۰۳-۲۰۰۶) انجام شده است. شاخص مورد استفاده فضای کسب و کار در این تحقیق، شاخص فضای کسب‌وکار بانک جهانی شامل ۱۰ زیربخش راه‌اندازی کسب‌وکار، شرایط و مقررات کسب مجوز، استخدام و اخراج کارگران، ثبت اموال، دریافت اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاری، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای تعطیل کردن کسب‌وکار بوده که در چارچوب یک مدل رشد درون‌زا تأثیر این اجزا بر رشد اقتصادی بررسی شده است.

نتایج نشان می‌دهد ضعف در هفت زیربخش تعطیل کردن کسب‌وکار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای، استخدام و اخراج کارگران و راه‌اندازی کسب‌وکار جدید اثر منفی و منطبق با تئوری بر رشد اقتصادی در نمونه مورد آزمون دارد. همچنین ضریب سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران در محدوده مکانی و زمانی مورد آزمون برخلاف انتظارات تئوریک است. همچنین متغیرهای نیروی کار، ذخیره سرمایه و مخارج عمومی بر آموزش اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند که این نتایج کاملاً منطبق بر مبانی تئوریک است.

با توجه به ضعف فضای کسب‌وکار در کشور بر اساس بررسی انجام شده در ابتدای مقاله و نتایج بدست آمده از مدل تحقیق پیشنهاد می‌شود در هفت زیربخش تعطیل کردن کسب‌وکار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قرار دادهای، استخدام و اخراج کارگران و راه‌اندازی کسب‌وکار جدید برنامه‌ریزی پایدار و منسجمی جهت بهبود این بسترهای کسب کار انجام شود. از جمله مهم‌ترین اصلاحات مورد نیاز که براساس تحقیق بانک جهانی باعث بیشترین ترقی در شاخص‌های انجام کسب‌وکار شده

عبارتند از ساده‌سازی راه‌اندازی کسب‌وکار، کارآمد سازی مراحل گمرکی و اسناد تجاری و اصلاح قانون ورشکستگی.

پی‌نوشت‌ها

۱. برانسون، ویلیام اچ، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه: عباس شاکری. تهران: نشرنی، (۱۳۸۲).
۲. ملک‌الساداتی، سعید، "تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی* (۱۳۸۶).
3. Arruñada, Benito. **Pitfalls to Avoid when Measuring Institutions: Is Doing Business Damaging Business?**, (August 24, 2007).
4. Baltagi, B. *Econometric Analysis of Panel Data*, Publisher: Wiley, (1995).
5. Barro, Robert J. Xavier Sala-i-Martin, *Economic Growth*, Cambridge, MIT Press (2004).
6. Casero, Paloma Anos, Varoudakis, Aristomene, *Growth, Private Investment, and the Cost of Doing Business in Tunisia: A comparative perspective*, World Bank, *Middle East and North Africa Working Paper* No. 34, (February, 2004).
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=938039
7. De Soto, Hernando, *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, (1989).
8. De Soto, Hernando, *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*. (2000).
9. Eifert, Benn, Alan Gelb, Vijaya Ramachandran, the Cost of Doing Business in Africa: Evidence from Enterprise Survey Data, *World Development*, Vol. 36, No. 9, pp. 1531-1546, (September, 2008).
10. Ellen S. O'Connor "Reader Beware Doing Business with a Store(y) of Knowledge", *Journal of Business Venturing*, Vol. 22, No. 5, pp. 637-648, (September, 2007).

11. Hansen, Gary D. & Prescott, Edward C. Recursive Methods for Computing Equilibria of Business Cycle Models, *Discussion Paper*. Institute for Empirical Macroeconomics 36, Federal Reserve Bank of Minneapolis, (1992).
<http://ideas.repec.org/p/fip/fedmem/36.html>
12. Jones, Charles I. "R&D-Based Models of Economic Growth", *Journal of Political Economy*, Vol. 103, (August 1995), pp. 759-84.
13. Kisunko, Gregory; Brunetti, Aymo, Weder, Beatrice, Institutional Obstacles to Doing Business: Region-by-Region Results from a Worldwide Survey of the Private Sector, *World Bank Policy Research Working Paper* No. 1759, (1999).
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=623904
14. Nordhaus, William D. *Productivity Growth and the New Economy*, Mimeo, Yale University, (November 2000).
15. Pfeffermann, Guy P., Kisunko, Gregory V., Sumlinski, Mariusz, A Trends in Private Investment in Developing Countries And Perceived Obstacles to Doing Business. *IFC Working Paper* No. 37, (2000).
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=176754
16. Romer, P. (1990). Endogenous Technological Change, *Journal of Political Economy*, No. 98: S71-S102.
17. *World Bank Doing Business*, The International Bank for Reconstruction and Development, (2006).
18. *World Bank Doing Business*, The International Bank for Reconstruction and Development. (2008).
www.doingbusiness.org/economyrankings
19. World Bank (2008) (CD WDI 2008)